[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

توسعه کالبدی مناسب زمین و محیط‌های روستایی ایران با تأکید بر تولید پایدار غذا

مجید یوسف نیاپاشا *، ماریا برزگر **

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹٤/۰۸/۱۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹٤/۱۱/۱۷

چکیده

توانایی تولید غذا و امنیت غذایی یکی از شرایط خودکفایی است و موضوعی استراتژیک در هر جامعه و کشوری تلقی می‌گردد. روستا مهمترین و اولین مرجع تولید کننده غذا در ایران بوده که بافت و کالبد آن متأثر از تولید غذا، طراحی و توسعه پیدا کرده است. این نقش مهم در طرح‌های توسعه کنونی روستاها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. طرح‌های توسعه کنونی، ملهم از الگوهای شهری هستند که برمبنای الگوهای شهرسازی مدرن و وارد شده از غرب توسعه یافته‌اند. این طرح‌ها با از بین بردن بافت روستایی، هویت معماری و تضعیف روابط اجتماعی، از نقطه نظر مهمتری موجب تضعیف تولید غذا و نقش تولیدی روستاهای ایران می‌شود که خود بحران‌های متعدد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی را در پی خواهد داشت. از این جهت ضروری است الگو و یا اندیشه "مدل-گونه" به‌منظور برنامه و طرح‌ریزی برای توسعه آتی روستا پیشنهاد گردد به‌طوری‌که موجبات تقویت تولید غذا و نقش تولیدی روستاهای ایران را به شکل مناسبی فراهم کند. اندیشه‌ها و تئوری‌های "مدل-گونه" در چهارچوب شهرسازی سبز با هدف تولید پایدار غذا، خصوصاً در مقیاس شهری و انواع دیگر سکونتگاه‌های انسانی، راهکارها و پیشنهادهایی را ارایه کرده‌اند که بافت و برنامه توسعه کالبدی سکونتگاه‌های انسانی را شکل می دهند. نوشتار حاضر همراه با بررسی ویژگی‌های کلی بافت روستاهای ایران به نقد و بررسی این اندیشه‌ها در جهت سنجش قابلیت تطبیق و الهام از آن‌ها برای توسعه بافت روستاهای ایران اقدام نموده است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که اندیشه "شهرسازی دهقانی" اندیشه مناسب‌تری نسبت به دیگر اندیشه‌های موجود به‌منظور الهام و الگوبرداری از آن برای طرح‌ریزی توسعه کالبدی روستاهای ایران می‌باشد. از آنجا که این اندیشه بر توسعه کالبدی شهر و انواع سکونتگاه‌های انسانی بر پایه تولید، مصرف و فروش محصولات کشاورزی و باغی در پیوند با زمین، استوار است، موجب تقویت نقش تولیدی روستاهای ایران خواهد شد. بنیان این مطالعه رویکردی قیاسی و تطبیقی است که با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای به سرانجام رسیده است.

واژگان کلیدی: روستاهای ایران، تولید پایدار غذا، کشاورزی، توسعه کالبدی ، شهرسازی دهقانی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، آموزشکده سما واحد ساری. mjmpasha@yahoo.com
** مدرس دانشگاه پیام نور بابل.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

مقدمه

سازمان فائو[1] در گزارشی عنوان داشته است که برای تأمین مواد غذایی جمعیت ۹ میلیارد نفری جهان در سال ۲۰۵۰ بایستی دو برابر میزان فعلی غذا تولید شود و برای رسیدن به این مهم باید موانعی نظیر محدودیت‌های زمین کشاورزی، کمبود آب و افزایش ضایعات غذایی را از پیش رو برداشت. پیش‌بینی شده است که رقابت بر سر زمین‌های کشاورزی و منابع آب، قیمت بالای انرژی و تغییرات آب و هوایی، جهان را به سمتی سوق می‌دهند که بایستی با منابع کمتر غذای بیشتری تولید شود (FAO,2015). رشد پایدار در بخش کشاورزی، عاملی حیاتی برای تغذیه جهان در دهه‌های آتی است.

در سال ۱۳۹٤ به‌صورت کلی میزان تولید مواد غذایی در ایران نسبت به سال گذشته کاهشی نداشته است اما کماکان در بین کشورهایی است که دارای امنیت غذایی متوسط می‌باشند (FAO,2015). طبق گزارش اتاق بازرگانی، صنایع و معادن (۱۳۹٤) بخش مهمی از غذاهای مصرفی، همچنان وارداتی می‌باشند و همچنین کشورمان از الگوی با ثبات کشت و تولید مواد غذایی برخوردار نیست (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹٤). به‌عبارتی شرایط ناپایدار در بخش کشاورزی حاکم است.

روستاها و روستاییان ایرانی مهمترین منبع تولید غذا در کشور می‌باشند که از دیرباز این نقش تولید غذا، بافت و کالبد روستاها را همانند فرهنگ و سبک زندگی روستاییان شکل داده است (زرگر، ۱۳۷۸ و سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸). این سبک زندگی به دلایل متعددی از تولیدی بودن به سمت مصرف‌گرا بودن در حال تغییر بوده و عدم توجه به تقویت این نقش تولیدی در طرح‌های توسعه روستایی که مهمترین آن "طرح هادی روستایی" می‌باشد (قاسمی و رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱)، موجب از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، مزارع و باغات می‌گردد و مهمتر از آن‌ها فرهنگ تولید محور و خودکفایی روستا از طریق اختصاص زمین‌های حاصلخیز به خیابان‌کشی‌های غیر ضروری و صرفاً بر مبنای سرانه‌ها و استانداردهای شهری (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹) در جهت شهری کردن چهره روستاها، به‌همراه ترویج الگوهای ناهمگون ساختمان سازی به‌صورت عام و خانه‌سازی به‌صورت خاص با کشاورزی و باغداری و دامی، نقش تولیدی روستاهای ایران رو به ضعف گراییده است. همه این مسایل توجه به تولید و تأمین غذا برای ساکنان ایران را (کشوری با جمعیت نزدیک به ۸۰ میلیون نفر که کماکان از نرخ رشد فزاینده برخوردار است) در جهت برخورداری از امنیت غذایی پایدار و وابستگی معقول به واردات، ضروری می‌نمایند.

در این جهت، یکی از راهکارهای کارآمد، تقویت و پایدار نمودن نقش تولیدی روستاها است که کماکان نقش مهمی در تولید مواد غذایی در کشور را بر عهده دارند. اما مشکل این است که الگوی جامع یا مهمتر از آن اندیشه مدل-گونه[2] مناسبی، افسار هدایت طرح‌های توسعه از جمله طرح هادی روستایی را به دست نگرفته است. الگوها و اندیشه‌های جدید متعددی در چهارچوب شهرسازی سبز[3] یا پایدار[4] پیشنهاد شده‌اند که این مسئله را در کانون توجه و هدف خود در جهت شکل دادن به بافت سکونتگاه‌های انسانی و تولید غذا در این بافت قرار داده‌اند. از این میان می‌توان نگرش" باغ شهرها"[5]، "شهرسازی کشاورزی"[6]، " کشاورزی ماندگار"[7] و "شهرسازی دهقانی" را نام برد که در این نوشته به اختصار مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرند با این هدف که اندیشه مناسبی در جهت توسعه کالبدی روستاها با تأکید بر تقویت نقش تولیدی روستاهای ایران معرفی شود. در این مسیر این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد:

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

– چه الگوها و اندیشه‌هایی برای شکل‌دهی و توسعه کالبدی سکونتگاه‌های انسانی با تأکید بر تولید غذا وجود دارند؟

– کدام یک از این اندیشه‌ها از قابلیت لازم برای الگو گرفتن به‌منظور توسعه بافت کالبدی روستایی ایران برای تقویت نقش تولیدی آن‌ها، برخوردار است؟

– چه تغییرات و اصلاحاتی بایستی در این الگو داد تا متناسب برای توسعه روستاهای ایران گردد؟

روش تحقیق

این مقاله به شیوه قیاسی تدوین شده است بدین معنی که روش‌هایی عام مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن به شرایط حاکم بر روستاهای ایران تعمیم داده شده است. این شیوه استنتاجی یا به‌عبارتی مطالعه تطبیقی، از آن جهت انتخاب شده است که موضوعات در عین حالی که اشتراک فراوانی دارند از تفاوت‌هایی نیز برخوردارند. این نوع مطالعه می‌تواند آگاهی و اشراف درخوری را به‌منظور کشف و ارائه راهکاری مناسب با وضعیت روستاهای ایران و در جهت حل مسئله مورد نظر فراهم کند.

اطلاعات لازم برای این پژوهش نیز به‌صورت عمده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و به‌صورت جزیی از طریق مشاهدات میدانی از بعضی روستاهای ایران به‌دلیل تحقیقات متعدد مولفین در حوزه روستا صورت گرفته است. قابل ذکر است از آنجا که ارزیابی پس از بهره برداری از سکونتگاه‌های ساخته شده براساس اغلب اندیشه‌ها و الگوهای ذکر شده (خصوصاً اندیشه شهرسازی دهقانی) مشاهده نشده است، لذا اصول این اندیشه و اندیشه‌های دیگر از منابع کتابخانه‌ای مرتبط اخذ شده‌اند. در ادامه نیز سعی شده است تا نقاط قوت و ضعف این اندیشه‌ها، در راستای پیشنهاد به‌منظور دستیابی به الگوی مناسب برای توسعه کالبدی روستاهای ایران در جهت تقویت تولید غذا مشخص و مورد بحث گذاشته شود.

روستاهای ایران و نقش تولیدی

کشاورزی و دستیابی به شرایط پایدار به‌منظور تولید غذا یکی از دلایل اصلی یکجانشینی و شکل‌گیری روستاها می‌باشد. از آن جمله و به‌عنوان مثال در مازندران بومی کردن کشت برنج، مهمترین عامل استقرار و شکل‌گیری هزاران روستا در این منطقه دانسته شده است (کولاییان، ۱۳۸۵) که فرهنگ، پیکربندی روستاها و خانه‌ها را متأثر از خود شکل داده است (Yousefniapasha,2010). تولید اساسی‌ترین نقش روستاها و وجه زندگی روستاییان در ایران بیان شده است (زرگر، ۱۳۷۸ و سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸) به‌حدی که حتی در بیابان‌های ایران و در کنار طوفان‌های شن نیز کشاورزی هر چند با مشقت فراوان ولی صورت می‌گیرد (فاضل‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰). این مسئله ریشه در تاریخ کهن این سرزمین دارد. مشهدی‌زاده (۱۳۷۳) بیان می‌دارد که تهیه مواد غذایی و کشاورزی برای شهر از زمان ساسانیان به‌عهده ساکنین حومه یا ربض بوده که در بیرون از حصاری که شهرستان را احاطه می‌کرده است، قرار داشت که البته از اهمیت پایین‌تری نسبت به شهر و اجزای آن برخوردار بوده است. این اهمیت اما بعد از اسلام جابه‌جا شده و با برتری حومه بر شهر یا شارستان، مفهوم منطقه شهری و محلات روستایی شکل یافتند (توسلی، ۱۳۶۰). این روستاها یک کل مستقل از شهر و دارای خدمات و امکانات مورد نیاز ساکنین بوده که از گذشته کماکان نقش تولید کشاورزی و غذا را تاکنون، عهده‌دار می‌باشند.

عموماً بافت سکونتی روستا توسط مزارع و باغات که در اطراف قرار می‌گیرند، محصورند. بافت سکونتی روستاها که از نظمی هندسی برخوردار نبوده یا ارگانیک

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

می‌باشد، دارای مرکز محله به‌عنوان قلب مرکزی خود بوده و غالباً خدمات عمومی نظیر مسجد یا بناهای مذهبی، قهوه خانه یا چند مغاره کوچک و دیگر بناهای عمومی در اطرف این مکان واقع می‌شوند که حداکثر با ۱۵ دقیقه پیاده‌روی از دورترین خانه قابل دسترسی می‌باشند. خانه‌ها عموماً توسط معابری به‌همدیگر و به این مرکز متصل می‌باشند که به‌صورت تاریخی، پهنا و کیفیت آن‌ها برای عبور و مرور انسان به‌صورت پیاده و برای عبور و مرور و جابجایی حیوانات و محصولات کشاورزی طراحی شده‌اند (زرگر، ۱۳۷۸).

در ایران بافت روستاها به دو صورت فشرده و پراکنده می‌باشد. خانه‌ها به دلایل اقلیمی و محیطی در روستاهای واقع در مناطق مرکزی و کوهستانی ایران با بافتی فشرده به‌هم چسبیده‌اند (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸) در صورتی‌که در مناطق حاشیه جنوبی دریای مازندران، خانه‌ها با بافتی پراکنده از همدیگر مجزا بوده و غالباً همراه با باغ به‌صورت خانه-باغ شکل یافته‌اند (Yousefniapasha, 2010 و معماریان،۱۳۷۱). خانه‌ها نیز در هر دو گونه این روستاها نقشی زیستی-معیشتی دارند (زرگر۱۳۷۸ و سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸ و معماریان، ۱۳۷۱). هر دوگونه این روستاها در دسته‌بندی سکونتگاه‌های سبز یا پایدار انسانی قرار می‌گیرند(Moughtin, 1995)، تا آنجا که توزیع فضایی و پیکربندی فضایی آن‌ها وابسته به وضعیت جغرافیایی، اقلیمی و منابع آب و خاک می‌باشد (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸).

تغییر سبک زندگی، خواسته‌های جدید روستاییان به‌همراه ورود امکانات نو و مدرن، منطبق با بافت‌های کهن روستاییان به" نظر نمی‌رسد" و اقدامات انجام شده به‌منظور ساماندهی کالبدی در روستاها نیز از آنجا که بر مبنای الگوی مناسب با شرایط جاری روستاهای ایران نبوده‌اند، نتایج بسیار نامناسبی را در پی داشته‌اند.

از جمله این اقدامات می‌توان بازسازی، بهسازی یا نوسازی مسکن، ایجاد مراکز اداری-خدماتی، شبکه معابر و میادین، شبکه جوی و جدول و دفع آب‌های سطحی و غیره را بر شمرد که مهمترین آن‌ها اصلاح معابر و اجرای میادین است (سرتیپی‌پور و همکاران، ۱۳۸۵). معابر به‌صورت افراطی و بی هیچ تناسبی با وسائط نقلیه روستایی تعریض یافته و تخریب واحدهای بعضاً ارزشمند از بابت تاریخی و معماری[۸] را در پی داشته است و مهمتر از آن‌ها موجب تخریب باغ‌ها و مزارع و اختصاص آن‌ها به خیابان می‌شود. اراضی وسیع زراعی و نیز خالی حاشیه روستاها بی توجه به نظام قطعه‌بندی زمین به‌کاربری‌های خدماتی و اداری واگذار شده که خود علاوه بر خالی از سکنه نمودن بافت کهن (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸) موجب کاهش میزان اختصاص زمین به کشاورزی شده است. در طراحی و ساخت خانه‌های جدید نیز به بعد معیشتی خانه‌های روستایی توجهی نمی‌شود.

این آشفتگی و نابسامانی، بیشتر از همه متأثر از نبود الگوی مناسب برای توسعه و انتظام کالبدی روستا یا به‌عبارتی بهتر، حاصل نبود اندیشه جامع و مناسب با نقش تولیدی روستا و اهمیت آن در شکل‌گیری، قوام و دوام آن‌ها است.

اندیشه‌هایی برای توسعه کالبدی با تأکید بر تولید پایدار غذا

اندیشه‌هایی به توسعه بافت سکونتگاه‌های انسانی به‌صورت عام و بعضاً بافت شهری به‌صورت خاص پرداخته‌اند، به‌طوری‌که ساکنین را به انجام امور تولیدی و کشاورزی، تقویت، تسهیل و افزایش تولید غذا تشویق می‌نمایند. این قرابت ذاتی آن‌ها با نقش روستاها در ایران، حاوی نکات ارزشمندی در جهت شکل دادن اندیشه مناسب برای توسعه این روستاها خواهد بود. در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

ابتدا بعضی از این اندیشه‌های شاخص که به اهمیت تولید غذا در بافت سکونتگاه‌های انسانی پرداخته‌اند، معرفی شده، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نتیجه آن، یکی از این اندیشه‌ها به‌عنوان الگوی مناسب و چهارچوب اصلی برای طرح‌ریزی آینده روستاها در ایران پیشنهاد گردیده است. در ادامه، اصول آن با شرایط کالبدی و محیطی روستاها تطبیق داده می‌شوند که این مطالعه تطبیقی، راهکارهایی در جهت حفظ، تقویت و ساماندهی کالبد روستاها ارائه می‌دهد.

کشاورزی شهری[9]

کشاورزی شهری تنها به کشت در درون شهرها و حومه‌های آن‌ها توجه دارد و گاهی اوقات نیز از مکان‌ها و زمین‌هایی بهره برداری می کنند که به‌دلیل کاهش جمعیت بدون استفاده مانده‌اند. کشاورزی در داخل بافت سکونتی در شهرهای کوبا در نتیجه کمبود مواد غذایی حاصل از تحریم‌های اعمال شده بر این کشور توسط آمریکا، الهام‌بخش اصلی این ایده بوده که به شکل مدرن در بسیاری از شهرهای کشورهای پیشرفته غربی به‌عنوان راه حلی برای افزایش مواد غذایی سالم و تازه، افزایش سلامتی و شادابی به‌همراه افزایش برخوردهای اجتماعی شهروندان و ساکنین در جهت دستیابی به تولید پایدار غذا و توسعه پایدار اجتماعی مورد توجه و استفاده واقع شده است (Janine and Montogomery, 2010; Holland, 2013). این الگو ساکنین را به ایجاد باغ‌های اجتماعی و مزارع کوچک، در زمین‌های خالی داخل بافت شهری و در مناطقی که زمین اضافی وجود نداشته باشد، ایجاد باغچه را در حیاط‌های خصوصی یا بر بالای بام‌ها تشویق می‌کند تا تولید کشاورزی تقویت گردد. در حقیقت فضاهای شهری که قبلاً برای اموری دیگر ایجاد شده‌اند، ترغیب می‌شوند که برای این منظور استفاده گردند و صرف انگیزه تولید کشاورزی، عامل ایجاد فضای شهری نمی‌شود (Duany and DPZ, 2011). کشاورزی شهری به‌عنوان منبع اصلی درآمد نبوده و بنابراین در اولویت قرار ندارد و معمولاً فعالیت ثانویه افراد بوده و شغل دیگری برای کسب درآمد در اولویت آن‌ها قرار دارد. این روش تولید غذا با شرایط روستاهای ایران مطابقت ندارد، زیرا تولید غذا به‌عنوان شغل اصلی خانواده، منبع درآمد و اولویت اصلی روستاییان در ایران است. ضمن اینکه تولید غذا در روستاهای ایران، منحصر به کشاورزی نیست (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۸). پس این اندیشه که تنها به تولید غذا از راه کشاورزی و آنهم به‌عنوان اولویت ثانویه می‌پردازد، حاوی نظراتی الهام بخش در مورد توسعه، ساماندهی و شکل‌گیری بافت کالبدی نمی‌باشد.

شهرسازی کشاورزی

پایه‌های شهرسازی کشاورزی یک قرن پیش توسط ابنزار هووارد با عنوان باغ شهرهای فردا بنیانگذاری شد که به ایجاد شهرهای خشک و بی‌روح منجر شد (Duany and DPZ, 2011). این شهرها با یک کمربند سبز در اطراف خود برای تغذیه جامعه محصور شده‌اند که ممکن است بعضی مواد غذایی آن شهر را تأمین کند. این الگو، فراتر از فعالیت‌هایی برای خریدهای مواد غذایی معمول در بازارها، فعالیت‌های دیگری برای درگیرشدن در امور کشاورزی را تقویت نمی‌کند. در حقیقت ساکنین نقشی در فرایند تولید غذا ندارند، چرا که تولید غذا را منحصر به کمربند سبز در اطراف شهرها دانسته و اندیشه‌ای در جهت پیوند تولید غذا و بافت کالبدی سکونتگاه‌ها ارائه نمی‌دهد. از این جهت قادر به تشویق ساکنین در جهت انجام امور کشاورزی نبوده و موجب ارتقای برخوردهای اجتماعی ساکنین نیز نمی‌گردد. این مسئله کاملاً نقطه مقابل آن چیزی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

است که در روستاهای ایران در جریان بوده و در توسعه کالبدی تولید محور، می‌بایست تأکید گردد.

کشاورزی ماندگار

این اندیشه توسط بیل مولیسون[۱۰] (۱۹۹۲) معرفی و پی گیری شد و اصولی اخلاقی در جهت حفظ و ارتقای کشاورزی و اصولی به‌منظور طراحی باغات، زمین‌های کشاورزی و مراکز پرورش ماهی، ماکیان و دام در جهت افزایش تولید غذا پیشنهاد می‌کند که در واقع می‌تواند اندیشه‌های دیگر را نیز پشتیبانی نماید. این اصول اخلاقی عبارتند از مراقبت از زمین، مراقبت از انسان و ایجاد تناسب مکان با جمعیت و میزان مصرف آن‌ها. اصول اصلی بیان شده در این اندیشه در راستای طراحی نیز عبارتند از کار با طبیعت نه در مقابل آن، مشکل خود یک راه حل است، ایجاد باغ با تنوع محصولات، تغییر باید برای بیشترین تأثیر ممکن باشد و محصول یک سیستم از لحاظ تئوری نامحدود است. در واقع این اصول طراحی نیز شبیه به بیانات اخلاقی یا به‌عبارتی بیانیه طراحی می‌باشند که تنها متمرکز بر ارتقا و چگونگی کشاورزی و تولید غذا می‌باشد تا پیوند آن با بافت سکونتگاه‌های انسانی و پیشنهاد راهکارهایی شهرسازانه و معمارانه در جهت پیکر بندی بافت کالبدی و ارتقای کیفیت محیط زندگی شهری و روستایی. مسئله‌ای که کانون توجه در اندیشه بعدی است.

شهرسازی دهقانی

شهرسازی دهقانی یکی از نظریه‌هایی است که با نگاهی پایدار، بر استفاده مناسب و حداکثر از زمین برای تولید پایدار غذا در شهرها، روستاها و سکونتگاه‌های انسانی تأکید می‌کند. این مدل توسط شهرسازان مشهور به نام‌های دوینی و همسرش زیبرک[۱۱] (۲۰۱۱) با الهام از الگوی روستاها و تمام تجربیات گذشته در این زمینه، معرفی شده است که ایجاد بستر مناسب برای تولید غذا توسط ساکنین، هدف اصلی شکل‌گیری آن‌ها بوده است. در این راستا این نظریه، الگوهایی به‌منظور شکل‌دهی منطقه در مقیاس کلان و پیکر بندی سکونتگاه‌های انسانی و اجزای آن در مقیاس‌های کوچک‌تر ارائه می‌دهد و برخلاف اندیشه‌های قبلی تنها به ارتقای کشاورزی و افزایش تولید تأکید ندارد بلکه رابطه تولید و بافت سکونتی را دوجانبه می بیند. تولید غذا می‌بایست موجب ارتقای کیفیت زندگی و محیط زندگی گردد و از طرفی دیگر محیط زندگی موجب افزایش تولید.

این تئوری از سال ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توسط لیبرت میگ[۱۲] تعریف شد، دوینی و زیبرک (۲۰۱۱) آن‌را بسط داده و در حوزه شهرسازی سبز، قوانین و اصولی برای آن تدوین کرده‌اند. در این مدل سعی بر ایجاد جامعه‌ای است که تمامی ابعاد آن اعم از پیکربندی بافت کالبدی، سازماندهی، رشد و پرورش، توزیع، پخت، تناول و برگزاری جشن و مراسم، در ارتباط با تولید غذا باشند. از آنجا که تولید کشاورزی و غذا، وابسته به زمین می‌باشد، این تئوری با الگوی فیزیکی سکونتگاه‌ها که در پشتیبانی جامعه دهقانی نقش دارد در ارتباط است. این الگو از تمامی تجربیات سکونتگاه‌ها و شهرسازی نمونه‌هایی در سراسرجهان از جمله باغ شهرها، باغ‌های اجتماعی[۱۳] در آلمان، جامعه بازیگران بازی گلف[۱۴]، کمون‌های[۱۵] دهه ۱۹۶۰، مورمون‌ها[۱۶] و کیبوتز[۱۷] استفاده می‌کند تا بتواند تحولی در شکل کالبدی روستاها ایجاد کند(Duany and DPZ, 2011, p.8). بافت و کالبد سکونتگاه‌ها، همراه با رویکرد این الگو، یک ترانس[۱۸] را به تصویر می‌کشد که از علم طبیعت‌شناسی وام گرفته شده است. ترانسی که توسط این تئوری پیشنهاد می‌شود از منطقه ترانس(۱) با تنوع طبیعی و محیط وحشی شروع شده و سپس به ترتیب اقامتگاه‌های تکی،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

روستاها، شهرک‌های اطراف شهر[۱۹] و مرکز شهر را نمایش می‌دهد. سکونتگاه واقع شده در ترانس(٦) از بالاترین درجه ارتباطات اجتماعی، تراکم ساختمانی و انسانی برخوردار است (تصویر شماره ۱).



ت ۱. نمایی از ترانس و منطقه‌بندی آن.(منبع: www.dpz.com/Technique/Transect)

این تئوری بر روی منطقه واقع شده در ترانس (٤) تمرکز کرده تا بتواند وضعیت این منطقه را بهبود ببخشد. سکونتگاه‌های این منطقه، عموماً شامل شهرک‌های ماشین–محور در اطراف شهرها بوده که هرچند دارای فضای سبز فراوانی هستند ولی دارای کمترین خدمات و فضاهای اجتماعی می‌باشند و به‌همین دلیل برخوردهای اجتماعی به حداقل رسیده و معضلات اجتماعی مانند جرایم و افسردگی افزایش یافته است (Montgomery,2013). همچنین توجهی ویژه به ترانس‌های ۳ و۲ که منطقه‌ای روستایی است دارد تا بتواند برای انتخاب مکان زندگی، سکونتگاه‌های متنوعی را به استفاده کننده با شرایط گوناگون، پیشنهاد دهد. به‌همین منظور سعی می‌شود تا خصوصیات محیطی تمام ترانس‌ها تقریباً یکسان و یا نزدیک به‌هم شود. با این هدف، سعی می‌شود تا جنبه‌های اجتماعی

ترانس‌های ۱ و ۲ و جنبه‌های تولیدی ترانس‌های ۳ و ٤ و ۵ و ٦ افزایش یابد (Duany and DPZ, 2011, P.73). در واقع ترانس همانند یک طرح آمایش منطقه و طرح جامع، ابزاری است که از مکان‌یابی سکونتگاه‌ها، فضاهای ساختمانی، فضاهای باز و سبز گرفته تا شکل بناها، تخصیص کاربری‌ها، تراکم و جزییات فضاهای شهری شامل نوع و گونه های درختان و تیرهای چراغ برق را در بر می‌گیرد.

همان‌طوری‌که گفته شد روستاها در ایران بر مبنای تولید غذا و وابسته به زمین شکل یافته‌اند که فرهنگ کلی، الگوی توزیع روستاها، شکل کالبدی آن‌ها و شکل خانه‌ها در ارتباط و متأثر از چگونگی توزیع و استفاده متعادل و حداکثر از زمین در جهت تولید کشاورزی و غذا، تحول یافته‌اند(یوسف نیاپاشا، ۱۳۸۰). در حقیقت دلیل اصلی شکل‌گیری این روستاها و مدل پیشنهادی شهرسازی

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

دهقانی، مشترک است و این اشتراک، استفاده از این اندیشه را به‌عنوان الگو در جهت توسعه و ساماندهی کالبدی بافت روستاها ممکن می‌نماید.

تطبیق شهرسازی دهقانی با روستاهای ایران

در این بخش اصول این اندیشه تبیین و تحلیل شده و ضمن تطبیق با شرایط روستاهای ایران، کارآیی آن‌ها از مناظر گوناگون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مکان یک سکونتگاه دهقانی

با توجه به تصویر شماره ۱، در ترانس ۱ هیچگونه ساخت و سازی انجام نمی‌شود. در ترانس ۲ خانه‌های پراکنده روستایی می‌توانند قرار گیرند که دارای زمین‌های کشاورزی و فضاهای سبز وسیع می‌باشند. در ترانس ۳ روستاها یا شهرک‌های کم تراکم شکل می‌گیرند که مزارع این بخش کوچک‌تر بوده و راه‌ها و معابر به‌صورت ارگانیک می‌باشند تا حالتی طبیعی به بافت ببخشد. در ترانس ٤ و ٥ نیز بافت شهری ساخته می‌شود که در آن تراکم ساختمانی و انسانی بالابوده، انواع خدمات شهری و پیاده روهای وسیع‌تری شکل می‌گیرند و در ترانس ٦ هسته اصلی شهر قرار گرفته که دارای ساختمان‌های بلند بوده و تنها در شهرهای بزرگ می‌توان مشاهده نمود. اگر کسی بخواهد می‌تواند در زمینی بزرگ در اطراف شهر، کشاورزی کند و آن‌ها که می‌خواهند کمتر کار کنند یا زمین کمتری نیاز دارند و یا اینکه دوست دارند که در کنار دیگر مردمان زندگی کنند، باغ کوچک یا حتی باغی بر روی سقف در ترانس ٦ نیز پاسخگو است(Duany and DPZ, 2011, p.40).

بر طبق این نظریه، محله‌ای که در آن تولید اتفاق می‌افتد یا یک روستا، بایستی در کنار شهر یا سکونتگاهی دیگر باشد که دارای بازار، هتل و رستوران بوده و توانایی مصرف محصولات تولید شده را داشته و قادر باشد که برای آن‌ها پول بپردازد (Duany and DPZ, 2011, p.79). داشتن خریدار قطعاً باعث رونق اقتصادی محله و ایجاد انگیزه برای ساکنین برای انجام امور تولیدی خواهد بود امری که در مکان گزینی روستاها در ایران دقت شده است.

این اندیشه بر این تأکید می‌ورزد که در تمامی ترانس‌ها، از زمین‌های بزرگ کشاورزی در روستاها و مناطق وحشی تا بالکن یا جعبه‌های کنار پنجره در آپارتمان‌های بلند مرتبه در مرکز شهر، می‌توان برای تولید غذا برنامه‌ریزی نمود. اما در ارتباط با آن، به نکات دیگری مانند چگونگی تأثیر نوع خاک، آب و عوامل محیطی نظیر سیل و زلزله درخصوص مکان‌گزینی روستاها یا دیگر سکونتگاه‌های انسانی اشاره نمی‌کند. همچنین به چگونگی تأمین تأسیسات زیربنایی مانند شبکه آبرسانی و نقش آن در چگونگی بافت و کالبد این سکونتگاه‌ها اشاره نشده است. در این موارد، روستاهای ایران درس‌های آموزنده‌ای دارند که به‌عنوان مکمل می‌توانند در روند برنامه‌ریزی برای توسعه این روستاها، به‌کار گرفته شوند.

محله دهقانی و چگونگی آن

محله توسط دوینی و زیبرک (۲۰۱۱) اینگونه تعریف شده است: "... یک مکان شهری در حال توسعه که اگر با بقیه (محله‌ها) به‌هم بپیوندند شهر کوچک را تشکیل می‌دهند و اگر به تنهایی و جداگانه مستقر شوند یک روستا می‌شوند...(ص۳۱)، همان تعریفی از محلات شهری و روستاهای ایران که توسلی (۱۳٦۰) آن‌را به تصویر می‌کشد (تصویر شماره ۲). در این تعریف روستاها، مانند محلات شهری مستقل بوده و دارای مرکز محله و امکانات اجتماعی در مقیاس خود می‌باشد و شهر از به‌هم پیوستن این محلات مستقل شکل یافته که در عین استقلال از خدمات مشترکی در مقیاس شهر برخوردارند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

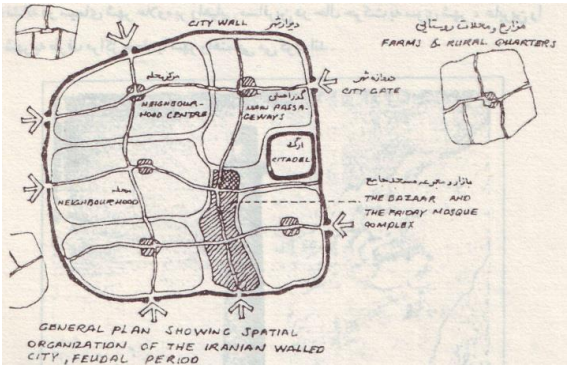

ت ۲. ترکیب کلی شهر شامل چند محله و محلات روستایی مستقل در مجاورت آن (توسلی، ۱۳۶۰، ص ٤٤).

میزان و تراکم جمعیت طبق این نظریه نیز بسته به شرایط طبیعی و اجتماعی متغیر است اما الکساندر(۱۹۷۷) میزانی بین ۵۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر را برای اینکه یک جامعه کامل و خودکفا و در عین حال کوچک شکل بگیرد، لازم می‌داند. در این جامعه اکثر افراد با هم آشنا بوده، با هم همکاری می‌کنند و جامعه‌ای پایدار می‌تواند شکل بگیرد. با توجه به متوسط جمعیت روستاهای ایران، این روستاها از جهت جمعیتی در این تعریف قرار می‌گیرند. در حوزه شهرسازی پایدار، کوین لینچ (۱۹۸۱) متوسط میزان جمعیت یک محله را بین ۲۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌داند و داکسیادس بین ۵۰۰ تا ۳۰۰۰ خانواده و لئون کریر حدود ۱۲۰۰۰ نفر می‌شمرد تا این محلات برای خدمات‌رسانی دارای جمعیت لازم و کافی باشند که البته جز تعریف داکسیادس و الکساندر، مابقی چندان قرابتی با خصوصیات جمعیتی روستاها و محلات شهری در ایران ندارند.

در مورد دیگر خصوصیات یک محله، این نظریه با بقیه نظریه‌های موجود در مورد شهرسازی پایدار و سبز و همچنین نظریه شهرسازی جدید سنتی، هم‌عقیده می‌باشد. یک محله بایستی ترکیبی از کاربری‌های مختلف[۲۰] باشد مانند شهرها و روستاهای سنتی در سراسر جهان و از جمله روستاهای ایران، نه به مانند شهرسازی مدرن که کاربری‌ها به‌صورت جداگانه[۲۱] منطقه‌بندی شده‌اند. بنابراین مکان‌گزینی فضاهای اداری و خدماتی در مقیاس محله، در اطراف روستاها و جدا از بافت سکونتی روستایی، تقارنی با این نظریه ندارد.

این محلات بایستی پیاده محور به جای ماشین محور طراحی شوند و تمامی خدمات، امکانات و نیازهای ضروری یک خانواده مانند مغازه، مدرسه و مانند آن در فاصله دسترسی ۳۰۰ تا ۵۰۰ متر یا فاصله زمانی ۵-۱۵ دقیقه پیاده قرار گیرند(Duany and DPZ, 2011, p.32 ; ;, Moughtin, 1995 ; Alexander,1977 ; Montgomery,2013 Gehl,2010). از این بابت بافت سنتی روستاهای ایران با این نظریه مطابق هستند، درحالی‌که با توجه به تعریض خیابان‌های روستایی، تغییر شکل و جنس کف این خیابان‌ها و احداث میادین برای دور زدن ماشین در نتیجه طرح‌های هادی، این بافت‌ها به سمت بافت ماشین محور هدایت می‌شوند.

محله بایستی فشرده[۲۲] باشد، اصلی که شهرسازان پایدار بر آن تأکید می‌کنند، چرا که از این طریق عبور و مرور و استفاده از ماشین کمتر شده، آلودگی‌ها کاهش یافته، ارتباطات اجتماعی بیشتر شده و تهیه و احداث خدمات و تأسیسات عمومی و زیربنایی مقرون به صرفه می‌باشد. ضمن اینکه زمین‌های بیشتری برای اختصاص به فضاهای سبز در اختیار خواهد بود. اما نظریه شهرسازی دهقانی از منظر دیگری به آن می‌نگرد، اینکه زمین بیشتری برای تولید غذا در اختیار ساکنین می‌تواند باشد، چیزی که مبنای شکل‌گیری روستاهای ایران بوده است. مساحت کم و منطبق با نیاز خانه‌ها و بناها، ابعاد کوچک و در مقیاس انسانی معابر و میادین عمومی، از محاسنی بود که موجب استفاده بیشتر از زمین‌های حاصلخیز در روستاهای ایران برای اختصاص به

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

کشاورزی و تولید بوده است. اما همه روستاهای ایران از جمله روستاهای مازندران هیچ وقت فشرده به مفهوم آنچه که در این نظریه و توسط شهرسازان سبز تأکید می‌شود، نبوده است. در این مورد موقتین (۱۹۹۵) می‌گوید که فشرده بودن بافت، تنها مدل شهر پایدار نیست بلکه بافت‌های پراکنده‌ای[۲۳] که فضاهای باز و زمین‌های باقی مانده را به کشاورزی و تولیدات باغی اختصاص می‌دهند نیز مدلی دیگر از سکونتگاه پایدار می‌باشند. نظریه شهرسازی دهقانی می‌تواند از این نکته بهره بگیرد و تنها به پیشنهاد بافت فشرده تأکید نکرده و تعریف جامع‌تری از بافت سکونتی پایدار بیان نماید.

مسیرهای عبور و مرور و مرکز محله

کوچه‌ها بایستی امن بوده و برای پیاده و دوچرخه طراحی شوند نه اینکه فقط در کنار خیابان ماشین رو طراحی گردند(Duany and DPZ, 2011, p.39). ضمن اینکه سرعت ماشین برای تردد در داخل بافت مسکونی بایستی کاهش یابد (Jacobs, 1964; Moughtin, 1995; Montgomery, 2013). به‌همین خاطر طبق این نظریه، کوچه‌ها بهتر است از بابت شکلی، به‌صورت شبکه شطرنجی بوده که توسط رومیان نیز بسیار استفاده شده است و البته در ایران نیز متداول بوده (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳) و مورد علاقه روستاییان می‌باشد. شبکه شطرنجی از بابت احداث و نگهداری آسان بوده (Broadbent, 1990: Moughtin, 1999) و همچنین از بابت سیاسی نیز امنیت بیشتری داشته و توسط دولت‌ها در هنگام جنگ و شورش‌های اجتماعی بیشتر قابل کنترل می‌باشند (Banai, 1996)، الگویی که برای تحول در شهرهای تاریخی و قدیمی ایران نیز استفاده شده است. در عین حال این نظریه تأکید می‌کند که از احداث خیابان‌های وسیع بایستی اجتناب شده تا زمین برای تولید غذا استفاده گردد (Duany and DPZ, 2011, p.39). در واقع کانسپت(مفهوم کلی) اصلی این اندیشه، استفاده حداقل از زمین برای ساخت و ساز و آزادسازی حداکثر آن در جهت تولید غذا است که منطبق با کانسپت(مفهوم کلی) استفاده از زمین در شکل‌گیری و توسعه بافت‌های سنتی روستایی ایران می‌باشد.

لازم به ذکر است که شکل فیزیکی کوچه‌ها بایستی براساس طبیعت، اقلیم، فرهنگ، نیازها و دیگر شرایط جامعه بررسی و تعیین گردد (Moughtin, 1999) و نمی‌توان یک شکل مشخص را و تنها بر مبنای یک عامل برای تمامی مناطق تعمیم داد. از طرفی براساس ارزیابی از منظر تئوری شکل خوب شهر بر پایه پنج معیار یا بعد معرفی شده به‌منظور سنجش عملکرد خوب یک شهر یا محله که توسط لینچ (۱۹۸۱) معرفی شده است، شبکه شطرنجی کاملاً مناسب تشخیص داده نشده است (Banai, 1996). ولی از بابت اجرای ساده و سریع با هزینه کمتر، ایجاد مسیرهای تردد بیشتر که باعث بالا بردن قدرت انتخاب و تشویق به پیاده‌روی می‌شود(Jacobs,1964) می‌تواند مطلوب باشد. بایستی توجه کرد که سعی شود با در نظر گرفتن تمهیداتی نظیر انتخاب جنس کف‌سازی، هندسه و مانند آن سرعت تردد ماشین را در داخل بافت مسکونی روستا کاهش داده، امنیت آن‌ها را بالا برده و از این طریق به پیاده و دوچرخه اولویت بخشید، همان‌طوری‌که از این بابت، کوچه‌ها در روستاهای گذشته بسیار موفق عمل می‌کردند و متأسفانه امروزه با توجه به دخالت‌های طرح‌های هادی که عموماً بر مبنای وسیع کردن خیابان‌ها وآسفالت نمودن این معابر می‌باشد، مسیرهای روستایی به افزایش تردد و سرعت ماشین نظر دارند تا انسان. این الگوی جدید تبلیغ شده توسط طرح‌های هادی روستایی، موجب تغییر بافت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

روستایی از پیاده محور به ماشین محور است که همراه با افزایش سرعت و تردد ماشین؛ افزایش آلودگی، سروصدا، گرد و خاک و افزایش مصرف بنزین را در پی داشته و مهم‌تر از همه، موجب ناامنی کوچه‌ها برای تردد پیاده، دوچرخه، بازی کودکان و به‌طور کلی مانع انجام هرگونه فعالیت‌های اجتماعی برای گروه‌های سنی و جنسی مختلف شده است.

اصل دیگر در این نظریه این است که محله بایستی دارای فضاهای باز، بناها و خدمات عمومی باشد و این خدمات بایستی در کنار میدانی باشد که بازار در کنار آن شکل گرفته است و کانون اصلی خدمات و فعالیت‌های محله را شکل می‌دهد. غذا بایستی مهمترین دلیل برای ایجاد ارتباطات اجتماعی در این محلات باشد، تمامی فعالیت‌ها و بناهای جمعی در ارتباط با غذا شامل فرآوری و بسته‌بندی محصولات تولید شده و دیگر کارگاه‌های مشابه و رستوران و کافه در کنار این میدان قرار گیرند(Duany and DPZ, 2011, p.32) . در روستاهای ایران هر چند مبنای ارتباطات اجتماعی تنها تولید و غذا نبوده ولی تمامی فعالیت‌های جمعی در مقیاس روستا و در ارتباط با غذا یا بی ارتباط به آن مانند جشن‌ها، مراسم مذهبی و فرهنگی مانند سوگواری ایام محرم، برگزاری کشتی محلی لوچو و مانند آن در اطراف مرکز محله روستا شکل گرفته و همچنین بناهای عمومی مانند مسجد، تکیه، مغازه‌ها، نانوایی، قهوه‌خانه و همچنین کارخانه شالی‌کوبی در اطراف همین مرکز قرار می‌گیرند (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳ و توسلی ۱۳٦۰و نقی‌زاده، ۱۳۸٤، زرگر، ۱۳۷۸ و معماریان، ۱۳۷۱) جایی‌که پاتوق اصلی پیرمردان و جوانان را تشکیل داده و مهمترین مکان اجتماعی برای گذراندن اوقات فراغت جوانان و پیران مرد، روابط اجتماعی آن‌ها با هم، گپ و صحبت، انتقال اخبار روز و تجربیات می‌باشد. علاوه بر این فضای جمعی، در روستاهای ایران مکان‌هایی برای تجمع نوجوانان در مقیاسی کوچک‌تر از مرکز محله وجود دارد که تنها نوجوانان پسر در این فضاهای باز که غالباً در کنار خیابان اصلی روستاها و در داخل بافت مسکونی قرار گرفته‌اند، زیر نظر چشم عابرین که موجب بالا رفتن امنیت می‌شود (Jacobs, 1964) به فعالیت‌هایی نظیر بازی، گفتگو و گذران اوقات فراغت می‌پردازند، ضمن اینکه این فضاهای باز برای مقاصد تولیدی نیز استفاده می‌شوند. زنان نیز فضاهایی اختصاصی برای جمع شدن کنار هم دارند که در داخل کوچه‌های خصوصی‌تر، در انتهای یک بن بست و یا بین چند خانه می‌باشد. در این فضاها زنان و جوانان و نوجوانان دختر، ارتباطات اجتماعی خود را در حین فعالیت‌های روزمره و در ارتباط با تولید غذا انجام داده و همزمان کودکان نیز تحت مراقبت آن‌ها به بازی مشغول هستند. به این دو فضای عمومی و اختصاصی برای زنان، نوجوانان و فضای بازی و فعالیت‌های اجتماعی برای بچه‌ها در این نظریه توجه و اشاره نشده است، در صورتی‌که برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن نیازها و شرایط همه سنین، گروه‌ها و جنسیت‌ها در طراحی و شکل‌گیری محله با توجه به اصول شهرسازی پایدار(Moughtin, 1995) بسیار مهم است. البته از این جنبه از روستاهای ایران برای ارتقای مدل پیشنهادی این نظریه می‌توان بهره برد.

با توجه به موارد اشاره شده، روستاهای ایران را به‌صورت کلی می‌توان با تعریف محله توسط تئوری شهرسازی دهقانی سازگار دانست. در این صورت از پتانسیل لازم برخوردار است تا از آن به‌عنوان اندیشه‌ای مدل-گونه به‌منظور توسعه روستاهای ایران، همراه با جزییاتی که در پی می‌آیند، بهره گرفت.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

چگونگی مسکن

با توجه به این نظریه، مسکن می‌تواند گونه‌ای از خانه‌های مستقل ویلایی، خانه‌های شهری و آپارتمان‌ها باشد(Duany and DPZ,2011, p.80) . البته حداکثر ارتفاع خانه‌ها از نظر شهرسازی سبز و پایدار نبایستی از ٤ طبقه بیشتر باشد (1995; Edward,2000 Moughtin,) چرا که رابطه افراد ساکن در طبقات بالاتر از چهارم، با محیط و مردم اطراف بسیار پایین آمده و از این طریق استرس و مشکلات روحی برای ساکنین در آینده ایجاد کرده و خصوصاً تأثیرات نامناسبی بر رشد کودک دارد (Alexander, 1977; Gehl, 2010; Montgomery, 2013).

بر طبق این نظریه، مسکن بایستی دارای زمینی به‌اندازه ۵۰۰ متر مربع و به‌صورت مستطیل شکل و دارای یک باغ در حیاط جلویی و باغی در پشت خانه باشد. این محوطه شامل خانه (فضای زندگی)، درختان میوه، منطقه‌ای برای گذاشتن کندوهای زنبور عسل، محوطه‌ای برای کاشت انواع سبزی و حبوبات، مکان سرپوشیده و باز برای دام و ماکیان و همچنین مکانی برای کمپوست همانطور که در شهرسازی کشاورزی نیز بیان شده است و بنایی به‌عنوان انباری است (Duany and DPZ,2011, p.85). این الگو بسیار مشابه الگوی مساکن روستایی در مازندران است که بر مبنای آن خانه در مرکز زمین واقع شده و زمین‌های باز اطراف به حیاط جلویی، حیاط پشتی و باغ اختصاص می‌یابد که برای مقاصد گوناگون تولیدی نظیر تولید مرکبات، سبزی کاری، پرورش دام و ماکیان و حتی زنبور عسل استفاده می‌شوند (یوسف نیاپاشا، ۱۳۸۰). این فضاها که بیشتر با تولید در پیوند می‌باشند، در مسکن امروز روستاییان در ایران بسیار کم رنگ شده‌اند (قاسمی و رستمعلی‌زاده، ۱۳۹۱).

در این نظریه به مقوله مهم تولید گاز و انرژی از طریق فضولات دامی، گیاهی و انسانی اشاره‌ای نشده است ولی در بعضی متون دیگر از جمله در نظریه کشاورزی ماندگار (Mollinson, 1992) بیان شده است. از تکنولوژی بیوگاز[۲۴] می‌توان در خانه‌ها به‌صورت تکی و یا در مقیاس هر روستا مانند آنچه که در روستای یخکش از توابع شهرستان بهشهر در مازندران اجرا شده است (سایت انجمن متخصصین محیط زیست, ۱۳۹٤)، استفاده نمود. همچنین در مقیاس بالاتر می‌توان فضولات چندین روستا را جمع نموده و پس از سوزاندن گاز تولید شده، از این روش برای تولید برق استفاده نمود که در بسیاری از کشورها مانند آمریکا، آلمان، هند، پاکستان و غیره به جریان افتاده است و می‌تواند هم در مقیاس کلان و هم کوچک درحد مقیاس یک خانه به‌صورت مستقل انجام شود (Energypedia, 2014).

توجهات اقلیمی و محیطی

کشاورزی در مقیاس کوچک و ارگانیک روشی از کشاورزی است که بیشتر مورد توجه نظریه شهرسازی دهقانی و خصوصاً شهرسازی کشاورزی (Janine, 2010) است. کشاورزی در مقیاس کوچک و ارگانیک بیشتر با دست و همکاری افراد، انجام شده نیاز چندانی به استفاده از کود شیمیایی، سموم دفع آفات و ماشین‌های کشاورزی بزرگ ندارد. از این طریق هم آلودگی کمتر برای محیط و طبیعت ایجاد می‌شود و هم انرژی کمتری را مصرف می‌کند (Duany andDPZ, 2011, p.37; Janine, 2010). همچنین برخلاف کشاورزی در مقیاس بزرگ که بر مبنای تولید تک محصول است، کشاورزی در مقیاس کوچک می‌تواند تنوع تولید محصول را داشته و نیاز ساکنین را مرتفع کند. در کنار آلودگی کمتر آب و هوا و خاک، غذاهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

تازه، سالم و طبیعی می‌تواند در دسترس ساکنین بوده، دور ریز به حداقل رسیده، خود ساکنین بر روی تولید غذا نظارت داشته و هزینه آن‌ها را کاهش دهد. ثابت شده است که سلامتی این ساکنین، همراه با فعالیت‌های فردی و جمعی بر روی زمین، بهتر بوده و احساس بهتری از زندگی نیز دارند(Montgomery, 2013). اگر چه تولید محصولات صیفی و باغی به‌صورت متنوع و در مقیاس کوچک، خانگی و دستی در روستاهای ایران انجام می‌شود ولی در بیشتر موارد به‌دلیل مصرف ناآگاهانه سموم و کودهای شیمیایی و عدم آشنایی کافی و لازم روستاییان با روش‌های تولید ارگانیک، به‌نظر غذاهای سالم در دسترس ساکنین نیست. اما در مورد اینکه این روستاییان از چه درجه سلامتی برخوردارند و این سلامتی چه ارتباطی با غذا و کار بر روی زمین‌های کشاورزی و باغات دارد، تاکنون تحقیقی مشاهده نشده و نمی‌توان در این مورد اظهار نظر قاطع نمود.

نظریه شهرسازی دهقانی اشاره‌ای در مورد چگونگی شکل خانه و شهر در ارتباط با اقلیم و محیط ندارد اما از طرح‌های ارائه شده و هم با توجه به اینکه این نظریه در حوزه شهرسازی و معماری سبز و پایدار قرار می‌گیرد، می‌توان اینگونه برداشت نمود که توجه به اقلیم و محیط در طراحی و ساخت شهر و روستا از کلیات تا جزییات آنان به‌عنوان یک اصل ضروری در این نظریه پذیرفته شده است.

توجهات اجتماعی

ایجاد ارتباطات و مشارکت‌های اجتماعی به‌عنوان یک اصل مهم بر طبق این نظریه بایستی بیشتر در راستای تولید غذا اتفاق بیافتد (Duany and DPZ, 2011, p.36). در این مورد اشاره شده است که تولید غذا و کار بر روی باغ در حیاط جلویی خانه‌ها که در انظار بقیه ساکنین نیز می‌باشد، موجب برخوردهای بیشتر افراد می‌شود بنابراین یک مزرعه گوجه فرنگی در واقع به مثابه یک محیط اجتماعی نیز عمل می‌کند (Duany and DPZ, 2011, p.36; Janine, 2010; Montgomery, 2013). بدین منظور همه سنین از پیر و جوان و کودک و زن و مرد در فرایند تولید کشاورزی و محصولات صیفی و باغی براساس نظریه شهرسازی دهقانی، بهتر است در جریان تولید غذا و حداقل در برگزاری جشن محصول مشارکت داشته باشند. این همکاری باعث تقویت و ایجاد همبستگی و تعلق خاطر ساکنین به محیط زندگی، کاهش جرم و دزدی و استرس شده و باعث افزایش امید به زندگی و شادی در ساکنین می‌گردد(Montgomery, 2013). در مورد برگزاری جشن در ارتباط با تولید غذا و محصول در روستاها می‌توان از پتانسیل جشن‌های سنتی که در جریان کشت و برداشت انجام می‌شود مانند پخت شیر برنج (Yousefniapasha, 2010)، استفاده کرده و به سطح و مقیاس بالاتر اجتماعی ارتقا داد مانند جشن‌های مختلف برداشت محصول که امروزه در سراسر کشور به‌صورت دولتی متداول شده است ولی بهتر است با پیش بینی راهکارها و تمهیداتی توسط خود مردم با مشارکت تمام سنین و گروه‌ها برنامه‌ریزی و برگزار شود.

توجهات اقتصادی

استفاده از نیروی کار داخلی و به استخدام گرفتن نیروی کار محلی یکی دیگر از پیشنهادهای این نظریه بوده که یکی از مهمترین اختلافات شهرسازی دهقانی با کیبوتز، کمون‌های مورمون، باغ‌های اجتماعی آلمان و روستاهای قدیمی است. در آن‌ها تمامی کارها از جمله امور با مشقت مربوط به کشاورزی نیز توسط خود ساکنین انجام می‌شود اما این نظریه پیشنهاد می‌کند که نیروهای محلی حرفه‌ای را برای این امور استخدام کرده و خود ساکنین، امور آسانتر را در اوقات فراغت انجام دهند(Duany and DPZ, 2011, p.62). اینگونه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

ساکنین و خصوصاً کودکان و جوانان به‌دلیل امور خسته کننده و مشقت بار کشاورزی، از انجام کار کشاورزی دلزده و گریزان نمی‌شوند. همچنین انجام امور آسان‌تر مربوط به کشاورزی و تنها به‌عنوان تفریح و سرگرمی، باعث خواهد شد که بیشتر افراد به‌کار تولید غذا علاقه‌مند شوند که موجب دوام کشاورزی و درآمد بیشتر خانواده و هزینه کمتر برای خرید غذا نیز خواهد بود. از طرفی دیگر استفاده از نیروی کار حرفه‌ای محلی باعث ایجاد شغل و گردش سرمایه در داخل خود جامعه شده که به‌عنوان یک اصل برای یک جامعه پایدار ضروری است(Edward, 2000). در این راستا و در روستاهای ایران، صنایع مرتبط با تولید غذا مانند صنایع فرآوری، سورتینگ و بسته‌بندی بهتر است مانند کارخانه‌های شالی‌کوبی در مقیاس یک یا چند روستای محدود و در داخل بافت روستا شکل گرفته از نیروی کار متخصص و غیر متخصص بهره‌گیری شده و محصول به شکل فرآوری شده و نه به‌صورت خام به بازار مصرف فرستاده شود. این فرایند موجب جذب و اقامت نیروی کار محلی در روستا شده، احتمال فاسد شدن و از بین رفتن محصول را پایین آورده و هزینه فرآوری محصول را کاهش می‌دهد و سود و درآمد بیشتر نصیب تولیدکنندگان غذا که همان ساکنین روستا می‌باشند، خواهد شد.

نتیجه

تولید غذا رفته رفته به یکی از دغدغه های اصلی کشورهای جهان تبدیل می‌شود. روستاهای ایران اما در نتیجه یک دگردیسی مدرن، از یک جامعه خودکفا بر پایه استفاده از منابع محلی و تولیدات داخلی به جامعه‌ای مصرف‌گرا بر پایه محصولات وارد شده از خارج روستا تبدیل می‌شوند. در این دگردیسی، دانش و تکنولوژی گذشته در تمامی زمینه‌ها از جمله تولید غذا و ارتباط موثر آن با بافت سکونتی به‌عنوان مهمترین نقش روستاهای ایران در حال از بین رفتن است. افراد محلی با دانش و تکنولوژی مدرن نیز چندان آشنایی نداشته و بنابراین توانایی تطبیق یافتن و کار با آن‌ها را ندارند. از طرفی دیگر، الگوی مناسبی در جهت این تطابق غیر از الگوهای توسعه شهرها و نشأت گرفته از شهرسازی مدرن، پیش‌روی روستاییان نیست.

از آنجا که مدل شهرسازی دهقانی با الهام از روستاهای گذشته و با نگاه به دگردیسی در شهرسازی مدرن، سعی در تطبیق این دو دیدگاه با هم نموده است و با توجه به شرایط محیط، بافت و کالبد روستاهای ایران، این مدل از کارآیی لازم به‌منظور اندیشه مدل-گونه مناسبی برای طرح‌های توسعه کالبدی و نیز غیر کالبدی این روستاها به جای اندیشه فعلی که در طرح‌های هادی روستایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، برخوردار است. ملاحظاتی از جمله شناخت بافت پراکنده روستایی به‌عنوان سکونتگاهی پایدار در این نظریه، توجه بیشتر به عوامل اقلیمی و محیطی در راستای انتخاب مکان سکونتگاه انسانی و روستایی، توجه به تمامی سنین و گروه‌ها و پیش بینی فضاهای اجتماعی آنان در داخل بافت سکونتی، استفاده از الگوهای دیگر به‌منظور طراحی معابر که توسط منابع معتبر دیگری تأیید شده‌اند، می‌تواند این الگو را ارتقا داده و منطبق بر شرایط روستاهای ایران گرداند. در مجموع این اندیشه می‌تواند دریچه‌ای باز نماید تا تولید، دوباره به‌عنوان کانسپت(مفهوم کلی) اصلی برای توسعه و تحول روستاها در نظر گرفته شده و نقش تولیدی روستا مورد تأکید مجدد قرار گیرد. در این قالب نه تنها تولید غذا به شرایط پایدار سوق می‌یابد، بلکه دیگر تولیدات در روستا نیز امکان رونق و توسعه

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

خواهند یافت و نتیجه، رونق روستا و روستانشینی خواهد بود.

پی‌نوشت

۱. (FAO) سازمان غذا و کشاورزی مربوط به سازمان ملل متحد.

۲. این واژه از مقاله دکتر عباس سعیدی (۱۳۸۹) اقتباس شده است.

3. Green Urbanism
4. Sustainable
5. Garden Cities
6. Agricultural urbanism
7. Permaculture

۸. از آن جمله می‌توان به تخریب خانه‌های بسیار با ارزش و بی‌نظیر خانه‌ها در روستای تاریخی دیوا در استان مازندران را مثال زد.

9. Urban Agriculture
10 .Bill Mollison
11. Duany & Plater-Zyberk
12. Libert Migge
13. Community Garden
14. Golf-Course Community
15. Commune
16. Mormons
17. Kibutz
18. Transect

یک خط مستقیم یا برشی باریک از یک شی یا عنصری طبیعی یا از سرتاسر پوسته زمین به‌منظور مشاهده و اندازه‌گیری (فرهنگ لغت‌نامه آنلاین آکسفورد، ۲۰۱۳)

19. Suburb
20. Mixed-use
21. Zoning
22. Compact
23. Sprawl
24. Bio-Gas

فهرست منابع

- اتاق بازرگانی، صنایع و معادن. (۱۳۹٤)، آمار کل صادرات و واردات به ایران، www.tccim.ir دسترسی در آذرماه سال ۱۳۹٤.

- انجمن متخصصین محیط زیست. (۱۳۹٤)، www.irsen.org، دسترسی به سایت در دی ماه ۱۳۹٤.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۷۹)، ارزیابی طرح‌های هادی روستایی، جلد ۳، تهران.

- توسلی، محمود.(۱۳٦۰)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، دانشگاه تهران، تهران.

- زرگر، اکبر.(۱۳۷۸)، درآمدی بر معماری روستایی ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

- سرتیپی‌پور و همکاران. (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی مشکلات کالبدی در سکونتگاه‌های کوچک، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران.

- سعیدی، عباس. (۱۳۸۹)، محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی- شهری، مسکن و محیط روستا، سال ۲۱، پاییز ۸۹، صص ۱۳-۳.

- فاضل‌نیا، غریب؛ کیانی، اکبر؛ علی خسروی، محمود؛ بندانی، میثم.(۱۳۹۰)، بررسی انطباق الگوی بومی توسعه کالبدی- فیزیکی روستای تمبکاء شهرستان زابل با جهت حرکت طوفان های شن و ماسه، مسکن و محیط روستا، سال ۳۰، زمستان ۹۰، ص ۱۷-۳.

- قاسمی اردهائی، علی؛ رستمعلی‌زاده، ولی‌الله. (۱۳۹۱)، اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی، مسکن و محیط روستا، سال ۳۱، پاییز ۹۱، ص ٦۷-۸۵.

- کولاییان، درویش علی.(۱۳۸۵) ، ساری و آغاز تمدن برنج، انتشارات شلفین، ساری، مازندران، ایران.

- مشهدی زاده، ناصر.(۱۳۷۳) ، تحلیلی از ویژگی‌های شهرسازی در ایران، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

- معماریان، غلامحسین. (۱۳۷۱)، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی-گونه‌شناسی برونگرا، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران.

- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸٤)، تأملی در معماری روستاهای دره برزرود، مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۲، زمستان ۱۳۸٤، صص۱۸-۲.

- وزارت جهاد کشاورزی. (۱۳۹٤)، www.maj.ir, ministry ، دسترسی به سایت در دی‌ماه ۱۳۹٤.

-یوسف‌نیاپاشا، مجید. (۱۳۸۰)، پیمایشی بر جامعه و معماری روستایی بندپی در مسیر طراحی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد، ایران.

-Alexander, C. (1977), A pattern language: towns, buildings, construction, Oxford University press, New york, USA.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]

-Banai, R. (1996), A theoretical assessment of the 'neotraditional' settlement from by dimensions of performance, Environmental and planning B: Planning and Design, volume 23, pages 177-190,UK.
-Broadbent, G. (1990), Emerging concepts in urban space design, Van Nostrand Reinhold (international) Co. Ltd, UK.
-Duany, A. & DPZ (2011), Garden cities, theory and practice of Agrarian Urbanism, the prince's foundation for the built environment, UK .
- Duany, Andrés (2002),Transect Planning." Journal of the American Planning Association, Vol. 68, No. 3, summer 2002, American Planning Association, pp. 245-246.
-Edward, B. (2000), Sustainable housing, principle and practice, Chapter 1, PP. 12-36,Taylor and Francis, London, UK.
-Food and Agriculture organisation of UN (2015), www.fao.org, date accessed 2015.
- Gehl, J. (2010), Cities for people, Island press, Washington, USA Chicago Press, USA.
- Lynch, K. (1981), A theory of good city form, The MIT press, Cambridge, Massachusetts, USA.
-Jacobs, J. (1964), the death and life of great American city; 9the failure of town planning), Pelican books, UK.
- Janine, D. and Holland, M. (2010), Agricultural Urbanism, Winnipeg Manitoba, Canada.
-Mollinson, W. (1992), Permaculture; A designers' manual, Tagari publications, Tyalgum, Australia.
-Montgomery, C. (2013), Happy City, British Columbia art council, New York, USA.
-Moughtin, C. (1999), Urban design (street and square), second edition, Architectural press, Oxford, UK.
-Moughtin, C. (1995), Urban design: green dimensions, Butterworth heinemann, Oxford, UK.
-Yousefniapasha,M. (2010), The relationship between rice and the housing of rice-growers in north of Iran, published in sustainable development and planning V, Pages 639-650,Wessex institution of technology, Wit press, UK.
-Duany and DPZ website (2011). www.dpz.com, P.Technique/Transect. Date accessed downloading the picture in2015.
-Energypedia (2015), www.energypedia.info, Date accessed September 2015.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-29]